

تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر

دکتر موسی غنی نژاد

www.ketab.ir



تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر

دکتر موسی غنی‌نژاد

حروف‌چینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی، بخش تولید نشر مرکز

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

© نشر مرکز چاپ اول ۱۳۷۷، شماره‌ی نشر ۳۷۲

چاپ پنجم ۱۳۹۴، ۵۰۰ نسخه، چاپ دیجیتال نقش

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۵-۳۷۲-۷

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۳-۸۸۹۷۰۴۶۲ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

Email: info@nashr-c-markaz.com

همه‌ی حقوق محفوظ است.

تکثیر، انتشار، بازنویسی و ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه‌ی

جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و بخش بدون دریافت مجوز کتبی و

قبلی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

سرشناسه: غنی‌نژاد اهری، موسی

عنوان و نام پدیدآور: تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر / موسی غنی‌نژاد

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.

یادداشت: ص. ع. به انگلیسی: Moosa Ghani-nejad, Modernism and Development in Contemporary Iran

کتابنامه

موضوع: ایران — سیاست اقتصادی — تاریخ

رده‌بندی کنگره: ۳ ت ۹ غ / ۴۷۵ IC

رده‌بندی دیویی: ۳۳۸ / ۹۵۵

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۱۴۶۸۱-۷۷ م

فهرست

۷	مقدمه
	بخش اول: نفوذ، گسترش و تحول اندیشه تجددطلبی در ایران
۱۴	۱. پیشرفت و تمدن از دیدگاه تجددخواهان اولیه
۱۴	اندیشه قانون‌خواهی و ترویج علم و دانش
۱۸	غفلت تجددخواهان از مبانی فکری و ارزشی تمدن جدید
۳۰	۲. تجددطلبی اقتدارگرایانه به عنوان چاره‌عقب‌ماندگی
۳۲	وحدت ملی تنها طریق پیشرفت و آبادانی
۳۶	ناسیونالیسم مدرن یا میهن‌پرستی سنتی
۳۹	استبداد رضاشاهی از دیدگاه تجددطلبان
۴۲	۳. تجددگرایی وارونه، رجعت به گذشته تحت اشکال جدید
۴۳	ظهور میهن‌پرستی بیگانه‌ستیز تحت شکل جدید
۴۷	اندیشه‌های سوسیالیستی و ارزشهای سنتی - قبیله‌ای
	پیوند میهن‌پرستی سنتی و آرمانهای سوسیالیستی (سوسیالیسم ایرانی -
۵۰	نیروی سوم)
۵۲	تجددطلبی وارونه و تجزیه تمدن غربی

۵۸	۴. ایدئولوژی توسعه به عنوان مانع توسعه
۵۹	اندیشه مهندسی اجتماعی
۷۱	تشکیل سرمایه و استقلال اقتصادی در تفکر ایدئولوژیکی توسعه
۷۵	تفاوت ربا و بهره بانکی
۹۱	نتیجه
۹۵	یادداشت‌های بخش اول

بخش دوم: درباره برخی مباحث مربوط به توسعه نیافتگی

۱۰۰	۱. نقدی درباره نظریات رایج توسعه نیافتگی
۱۱۰	۲. هزینه‌های معاملاتی و توسعه صنعتی
۱۲۸	۳. ملاحظاتی درباره مالکیت صنعتی در ایران
۱۴۴	۴. رابطه بین جمعیت و توسعه از دیدگاه تحلیل اقتصادی
۱۵۹	۵. تمرکز سرمایه از واقعیت تا توهم
۱۷۴	۶. شرکت‌های چندملیتی و توسعه اقتصادی
۱۹۶	یادداشت‌های بخش دوم

مقدمه

این کتاب مجموعه‌ای از کارهای پژوهشی مؤلف طی ده سال گذشته است که به موضوعات مربوط به توسعه اقتصادی اختصاص دارد. کتاب از دو بخش تشکیل یافته است. بخش اول، چشم‌انداز کلی تحول در اندیشه ترقی‌خواهی و تجددطلبی یا به قول امروزی‌ها توسعه سیاسی و اقتصادی را از آستانه انقلاب مشروطیت تا به امروز ترسیم می‌کند. بخش دوم به برخی مباحث روز درباره توسعه نیافتگی اختصاص دارد، مباحثی که یا به روش صحیحی مطرح نشده‌اند و یا اساساً از آنها غفلت شده است.

تجددطلبی و قانون‌خواهی روشنفکران اواخر دوران سلطنت قاجار، زمینه پیدایش انقلاب مشروطیت را فراهم آورد. اما مسائل پیچیده و فراوان از جمله عدم توجه به مبانی فکری و ارزشی تجدد، مانع از تحقق و تثبیت اهداف انقلاب شد و مشروطیت به زودی جای خود را به استبداد به شکل جدیدی داد. بخش مهمی از روشنفکران تجددخواه به تشویق حکومت اقتدارگرایانه دوران رضاشاهی و توجیه روشهای دولت‌مداری پرداختند. آرمان تجددخواهان از آزادی و حکومت قانون به سوی نوعی میهن‌پرستی (وحدت ملی) و ناسیونالیسم مقتدرانه چرخش نمود. با

سقوط استبداد رضاشاهی در شهریور ۱۳۲۰، دوران نوینی از تجددطلبی در ایران آغاز می‌شود که ویژگی مهم آن پیوند میان برخی اندیشه‌های جمع‌گرایانه جدید (سوسیالیسم) با ارزشهای سنتی - قبیله‌ای است. تفاوت اصلی این جریان روشنفکری با آنچه تجددطلبان اولیه مطرح کرده بودند در وارونه کردن رابطه میان سنت و تجدد است. روشنفکران صدر مشروطیت درصدد انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی بر اساس مدل دنیای مدرن بودند یعنی می‌خواستند با تمهیداتی جامعه سنتی ایران را به جامعه مدرن متحول نمایند. اما روشنفکران دوران شهریور ۱۳۲۰، تجددطلبی وارونه‌ای را پی گرفتند به این معنا که درصدد برآمدن مدل جامعه مدرن را با آرمانها و ارزشهای سنتی خود سازگار نمایند. تجزیه تمدن غربی به مؤلفه‌های خوب و بد، التقاط و رجعت به گذشته تحت اشکال جدید، خصلت عمده این نوع خاص تجددطلبی است. این جریان فکری که وجه غالب نهضت روشنفکری ایران را طی بیش از نیم قرن اخیر تشکیل می‌دهد در درون خود مبتلا به تناقض‌های غیر قابل حل است، تناقضهایی که هر نوع خلاقیت را از آن سلب نموده است.

طی دهه‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰، تجددطلبی وارونه تحت عناوین آرمانهای ملی‌گرایانه، سوسیالیسم خداپرستانه، سوسیالیسم ایرانی، انقلاب شاه و ملت و غیره جلوه‌گر شد و بخش مهمی از روشنفکران و دانشگاهیان به منظور توجیه «علمی» این جریانهای فکری، آگاهانه یا ناآگاهانه دست به کار تدوین نوعی ایدئولوژی توسعه شدند که کارکرد آن در حقیقت چیزی جز تبدیل مفاهیم علمی اندیشه مدرن به مضامین و شعارهای ایدئولوژیک نیست. ایدئولوژی توسعه یکی از موانع اصلی فرایند توسعه پایدار است. برای از میان برداشتن این مانع راهی مؤثرتر از نقادی علمی اندیشه‌ها وجود ندارد.

نظریات رایج توسعه نیافتگی در ایران که به کمک ایدئولوژی توسعه تثبیت و تحکیم شده‌اند، از لحاظ نظری و علمی فاقد سنجش علمی و کاربردی هستند. کمبود سرمایه و وابستگی به خارج (امپریالیسم) هیچکدام از لحاظ نظری تبیین کننده توسعه نیافتگی نمی‌تواند باشد و از این گذشته تاریخ اقتصادی معاصر ایران دلالت تجربی بر بطلان این نظریات دارد. آنچه بیش از همه در مباحث توسعه مورد غفلت واقع شده عبارت است از نقش تعیین کننده نهادها و هزینه‌های معاملاتی. یکی از مشکلات عمده توسعه صنعتی و به طور کلی گسترش فعالیت‌های اقتصادی در ایران وجود هزینه‌های معاملاتی بسیار سنگین است، هزینه‌های اغلب نامرئی و بازدارنده‌ای که از نهادهای نامناسب نشأت گرفته و نظام تولیدی جامعه را فلج کرده است. یکی از مؤلفه‌های اصلی هر گونه استراتژی جدی توسعه باید ناظر بر کاستن از هزینه‌های معاملاتی از طریق اصلاحات نهادی باشد. تعریف و تضمین حقوق مالکیت فردی، ایجاد و تحکیم حکومت قانون و ارزشهای رقابتی در جامعه، برای نیل به این هدف اجتناب ناپذیر است.

گفتارهای احساس برانگیز در ذم افزایش جمعیت و ارتباط دادن آن به مشکل توسعه نیافتگی، از دیگر جنبه‌های ایدئولوژی توسعه است. در اندیشه مدرن، انسان عامل اصلی توسعه است، اما ایدئولوژی توسعه این عامل را مانع تلقی می‌نماید و، با خلط مباحث علمی، مفهوم توسعه اقتصادی را از محتوا خالی می‌سازد.

از دیگر موضوعاتی که منشاء سوء تفاهم‌های زیادی در مباحث مربوط به توسعه بوده، مسئله تمرکز سرمایه در اقتصاد جوامع صنعتی مدرن یا به اصطلاح سیر سرمایه‌داری رقابتی به سوی نوعی تمرکز، انحصار و یا «امپریالیسم» است. این تصور از درک نادرست نظام بازار (سرمایه‌داری)

ناشی می‌شود. منطق درونی این نظام که مبتنی بر کارایی است، مانع از محور رقابت و انحصاری شدن تولید می‌گردد. تبدیل سرمایه‌داری رقابتی به انحصاری توهمی دور از واقعیت است که تاریخ یکصد ساله اقتصاد کشورهای صنعتی حکم بر ابطال تجربی آن می‌دهد. تحول ساختار صنعتی کشورهای پیشرفته و ظهور روزافزون شرکتهای بزرگ چند ملیتی در جهت کارآمدتر شدن هرچه بیشتر فعالیت اقتصادی بنگاهها سیر می‌کند و الزاماً به تمرکز بیشتر یا انحصار منجر نمی‌گردد. شرکتهای چند ملیتی با در اختیار داشتن پیشرفته‌ترین دانش‌های فنی، اغلب نقش پل‌های ارتباطی برای انتقال تکنولوژی را دارند. همسویی استراتژیک منافع میان شرکتهای چند ملیتی و کشورهای در حال توسعه، واقعیت مهمی در روابط اقتصادی بین‌المللی است که اغلب تصور کاملاً غیر حقیقی و معکوسی از آن در اذهان نقش بسته است.